

اثربخشی آموزش گروهی دلبستگی محور مادران بر کاهش نشانه‌های اضطراب جدایی کودکان پیش دبستانی

نعیمه طلایی نژاد^۱، محمد علی مظاهری^۲

سعید قنبری^۳

برای تشخیص اضطراب جدایی در کودکان ضرورت دارد که حداقل سه نشانه در رابطه با نگرانی مفرط در مورد جدایی از شخص مورد دلبستگی وجود داشته باشد. هدف پژوهش حاضر، تعیین اثربخشی مداخله‌ی دلبستگی محور بر کاهش نشانه‌های این اختلال بود. بدین منظور، طی یک پژوهش نیمه آزمایشی با پیش تست و پس تست و گروه کنترل، ۳۰۲ مادر که کودک چهار تا شش سال داشتند به شیوه‌ی در دسترس انتخاب و از طریق آنها، اضطراب جدایی فرزندانشان ارزیابی شد. ۲۵۰ نفر از مادران که فرزند آنها بالاترین میزان اضطراب جدایی را داشتند، انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (۱۲ نفر در گروه آزمایش و ۱۳ نفر در گروه کنترل) کاربندی شدند. مادران گروه آزمایش در ۸ جلسه‌ی هفتگی آموزش دلبستگی محور شرکت کردند. پس از پایان جلسات آموزشی و دو ماه بعد از آن مادران هر دو گروه مجدداً، مقیاس سنجش اضطراب جدایی فرزندان را تکمیل کردند. نتایج تحلیل واریانس آمیخته‌ی نمرات نشان داد که آموزش گروهی دلبستگی محور مادران باعث کاهش معناداری در نمره‌ی کلی اضطراب جدایی کودکان شده بود. کودکان مادران گروه آزمایش، کاهش معناداری را در ترس از تنها ماندن، نگرانی در مورد وقوع حوادث خطرناک و استفاده‌ی بیش از حد از نشانه‌های امنیت نشان دادند. نتایج این پژوهش می‌تواند در موقعیت‌های بالینی و در درمان مشکلات اضطراب جدایی کودکان مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: آموزش دلبستگی محور گروهی، اضطراب جدایی، کودکان پیش دبستان

مقدمه

اختلال‌های اضطرابی، از شایع‌ترین اختلال‌های هیجانی در دوران کودکی و نوجوانی است و میزان شیوع آن‌ها بین ۶ تا ۱۸ درصد گزارش شده است (ایساو و گابیدان، ۲۰۱۳). اضطراب جدایی در کودکانی که برای اولین بار وارد مدرسه می‌شوند، قابل پیش‌بینی است ولی تشخیص اختلال اضطراب

۱. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسول) talaeinejad_n@yahoo.com

۲. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

۳. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

جدایی زمانی مطرح می‌شود که اضطرابی مفرط و نامتناسب با سطح تحول و هنگام جدایی از شخص مورد دل‌بستگی بروز پیدا کند. بر اساس متن پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۱ (۲۰۱۳) برای تشخیص اضطراب جدایی در کودکان ضرورت دارد که حداقل سه نشانه در رابطه با نگرانی مفرط در مورد جدایی از شخص مورد دل‌بستگی و به مدت حداقل ۴ هفته وجود داشته باشد. این نگرانی‌ها احتمالاً به صورت امتناع از رفتن به مدرسه، ترس و ناراحتی هنگام جدایی از نزدیکان شکایت مکرر از نشانگان جسمی نظیر سردرد، دل‌درد در طی مدت جدایی از افراد مورد دل‌بستگی و کابوس‌های مکرر با مضمون جدایی تظاهر می‌کند. تشخیص اختلال اضطراب جدایی در کودکی عامل خطر مهمی برای سلامت روان در طول زندگی است. در دوران کودکی، تشخیص اختلال اضطراب جدایی با افزایش مشکلات درونی‌سازی، برانگیختگی فیزیولوژیکی در موقعیت‌های جدایی مشکلات تحصیلی، مدرسه‌هراسی و مشکلاتی در عملکرد خانواده جهت مدیریت اضطراب کودک رابطه دارد (زولوگ، بلابریکا، بونیلو، مارتین و همکاران، ۲۰۱۱؛ لپویتز، وولستون، بارهیم و همکاران، ۲۰۱۲).

اضطراب کودک و اختلال‌های آن مبتنی بر نایمنی دل‌بستگی تعریف می‌شود. پژوهشگران تاکید بسیاری بر تاثیر روابط دل‌بستگی دوران کودکی و شیوهی مراقبت دوران کودکی در پدیدآیی اضطراب و روند تحولی اختلال‌های اضطرابی داشته‌اند (ریگز و جاکوبیتز، ۲۰۰۲؛ بنت و استیرلینگ، ۱۹۹۸). عقیده بر آن است که جدایی از موضوع دل‌بستگی، می‌تواند به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ی پاسخ‌های کودکان به تهدیدهای بعدی، مورد استفاده قرار گیرد (باکر، ۲۰۱۳؛ بالبی، ۱۹۹۸). وجود روابط دل‌بستگی نایمن نسبت به مراقبان در دوران کودکی، به خصوص دل‌بستگی نوع نایمن اضطرابی/دوسوگرا خطر ابتلا به اختلال‌های اضطرابی دوران کودکی و به ویژه اضطراب جدایی را بالا می‌برد (وارن، هوستن، ایگلند و سروف، ۱۹۹۷؛ ماناسیس و هود، ۱۹۹۸؛ مفرد، عبدالله و ابوسماح، ۲۰۱۰؛ مارنان و سیلاو، ۲۰۱۳). با توجه به اهمیت سبک دل‌بستگی در پدیدآیی مشکلات اضطرابی، نوعی از مداخله‌ی مبتنی بر سبک دل‌بستگی شکل گرفته که اساس آن، دل‌بستگی ایمن در قالب بازنمایی‌های درونی به دیگران به عنوان اشخاصی در دسترس، مسوول، قابل اعتماد و بازنمایی ذهنی خود به عنوان فردی دوست‌داشتنی و قابل احترام است و اساس تحول آتی کودک محسوب می‌شود و هرگونه انحراف از خط تحول بهنجار در این قلمرو با مشکلاتی در کودک همراه است (ژافر، باکرمن-

1. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 5th Edition, (DSM-V)

گرانبرگ، ونایزندورن، ۲۰۰۸). باکرمز-کرانبرگ، ونایزندورن و ژافر (۲۰۰۳) در فراتحلیلی در مورد مداخله‌های مبتنی بر دلبستگی، نشان دادند بسیاری از این مداخلات باعث افزایش حساس بودن مادرانه و افزایش ایمنی دلبستگی می‌شود. اثربخشی مداخلات دلبستگی محور در پژوهش‌های مختلفی در کاهش مشکلات دوران کودکی از قبیل مشکلات دلبستگی نایمن (گنجوی، مظاهری و صادقی، ۲۰۱۳؛ جهان‌بخش، بهادری، امیری و عسگری مبارکه، ۲۰۱۳)، مشکلات اضطرابی کودکان (قنبری، خداپناهی، مظاهری و غلامعلی لوسانی، ۲۰۱۴؛ جهان‌بخش، بهادری، امیری و جمشیدی، ۲۰۱۲) مشکلات برونی‌سازی شده (موسوی، ۲۰۱۳)، مشکلات زمان خواب (شکوفه‌فرد، مظاهری و طهماسیان، ۲۰۱۵)، مشکلات اضطرابی نوجوانان (سیکویلند، ران و دیاموند، ۲۰۰۵)، اختلال تنیدگی پس از سانحه (کورتنی، ۲۰۱۲) و اختلال‌های رفتاری (جهان‌بخش و همکاران، ۲۰۱۳) و بهبود سلامت روان کودکان مبتلا به شرایط خاص پزشکی (دهقانی آرانی، بشارت، پورحسین، بهرامی احسان و همکاران، ۲۰۱۵) نشان داده شده است. با توجه به سبب‌شناسی اختلال اضطراب جدایی، به نظر می‌رسد که اختلال اضطراب جدایی اساساً اختلالی مرتبط با دلبستگی است و ریشه و پایه‌ی این اختلال در دلبستگی نایمن قرار دارد و در پژوهش‌های مختلف وجود رابطه‌ی معنادار میان اضطراب جدایی و دلبستگی نشان داده شده است (دلایر و وین‌راب، ۲۰۰۵؛ مفرد، عبدالله و اوبا، ۲۰۱۰؛ یاقوتی، ۲۰۱۴). با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر درصدد بررسی تاثیر آموزش دلبستگی محور مادران بر کاهش نشانه‌های اضطراب جدایی فرزندان آنها بود.

روش

این پژوهش یک پژوهش شبه آزمایشی با پیش‌آزمون_پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کودکان چهار تا شش ساله‌ی حاضر در مهدهای کودک و مراکز پیش‌دبستانی منطقه‌ی یک شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ و نمونه‌ی آماری این پژوهش ۳۰۲ نفر از کودکان چهار تا شش ساله حاضر در این مراکز با روش نمونه‌گیری در دسترس بود. مادران، نسخه‌ی والدین مقیاس سنجش اضطراب جدایی^۱ (هان، هاجینلیان، ایسن، ویندر و پینکاس، ۲۰۰۳) و مقیاس درجه‌بندی رفتاری کانرز^۲ (۱۹۹۹) را تکمیل نمودند. ملاک‌های ورود به پژوهش قرار داشتن کودک در محدوده‌ی سنی چهار تا شش سال، حداقل سطح تحصیلات مادر برای شرکت در دوره‌ی دیپلم

-
1. Separation Anxiety Assessment Scale- Parent version (SAAS-P)
 2. Conners behavioral rating scale

نمره ی اضطراب جدایی کودک یک انحراف معیار بالاتر از نمره ی میانگین هنجار مقیاس اضطراب در جامعه و ملاک های عدم ورود به پژوهش شامل قرار داشتن کودک به طور همزمان تحت درمان های روان شناختی دیگر یا دارودرمانی، وجود اختلال های وخیم روان شناختی در مادر، غیبت بیش از ۲ جلسه در دوره ی آموزشی بود. در انتهای پژوهش، داده های ۱۷ نفر (گروه آزمایش ۸ نفر و از افراد گروه گواه ۹ نفر) در تحلیل نهایی وارد شد.

فرم والد مقیاس سنجش اضطراب جدایی (SAAS-P) (هان و همکاران، ۲۰۰۳) ۳۴ گویه دارد. دارای چهار زیرمقیاس اصلی ترس از تنها ماندن^۱، ترس از رهاشدن^۲، ترس از بیماری جسمی^۳ و نگرانی درباره ی حوادث خطرناک^۴ است؛ به علاوه دارای دو زیرمقیاس پژوهشی فراوانی حوادث خطرناک^۵ و فهرست نشانه های امنیت^۶ است. استفاده ی بیش از حد از نشانه های امنیت باعث افزایش اضطراب جدایی کودکان می شود. والدین گویه ها را براساس یک مقیاس ۴ درجه ای از نوع لیکرت نمره گذاری می کنند. مطالعات قبلی ضریب همسانی درونی آزمون را ۰/۹۱ و ضریب بازآزمایی را ۰/۸۳ گزارش کرده اند (ایسن و اسکفر، ۲۰۰۵؛ هان و همکاران، ۲۰۰۳). در ایران نیز مفرد، عبدالله و اویا (۲۰۱۰) ضریب پایایی برای نمره ی کل و زیرمقیاس های ترس از تنها بودن، ترس از رهاشدن، ترس از بیماری جسمی و نگرانی درباره ی حوادث خطرناک را به ترتیب برابر با ۰/۹۴، ۰/۹۳، ۰/۹۰، ۰/۸۲، ۰/۸۳ گزارش کرده اند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ نمره ی کل ۰/۸۷ و برای زیرمقیاس های ترس از تنها ماندن، ترس از رهاشدن، ترس از بیماری جسمی و نگرانی درباره ی حوادث خطرناک به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۲، ۰/۶۸، ۰/۶۳ به دست آمد.

مقیاس درجه بندی رفتاری کانرز (۱۹۹۹) برای تشخیص و ارزیابی اختلال های هیجانی و رفتاری در کودکان گروه سنی ۳ تا ۱۷ سال است. فرم والدین آن دارای ۴۸ پرسش است و پنج قلمرو شامل مشکلات رفتاری، اضطرابی، یادگیری، روان تنی، فزون کنشی، افسردگی و پرخاشگری را مورد بررسی قرار می دهد. ضریب همسانی درونی برای مقیاس های DSM و محتوایی، همه بالاتر از ۰/۸۰ و بیشتر آن ها بالاتر از ۰/۹۰ گزارش شده است. همچنین ضریب آزمون-بازآزمون نیز مناسب (همه بالاتر از ۰/۷۰) بوده است (فریک، باری و کامفاس، ۲۰۱۰). نتایج تحلیل عاملی، تاییدکننده ی ساختار پنج عاملی برای تمام مقیاس ها بوده است (کانرز، ۲۰۰۸). این مقیاس در ایران برای بررسی مشکلات کودکان دبستانی مورد استفاده قرار گرفته است و پایایی و اعتبار مناسبی را نشان داده است (قنبری،

1.fear of being alone
2.fear of abandonment

3.fear of physical illness
4.worry about calamitous events

5.frequency of calamitous events
6.safety signals index

خان محمدی، خدایپناهی، مظاهری و همکاران، ۲۰۱۱).

برای بررسی روند تغییرات نشانه‌های اضطراب جدایی در دو گروه آزمایش و گواه در سه زمان پیش-آزمون، پس‌آزمون و پیگیری از روش آماری تحلیل واریانس آمیخته استفاده شد. داده‌ها با شانزدهمین ویرایش نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

شیوه ی اجرا

بسته‌ی آموزشی مورد استفاده در این پژوهش از بسته‌ی آموزشی دلبستگی محور قنبری و همکاران (۲۰۱۴) گرفته شده و مواد موجود در آن با توجه به نشانه‌ها و مشکلات اضطراب جدایی اختصاصی و بخش‌هایی به آن افزوده شده است. جلسات آموزشی در ۸ هفته‌ی متوالی به مدت یک و نیم الی ۲ ساعت به اجرا درآمد. در جدول ۱ محتوای جلسات آموزشی دلبستگی محور مادران به طور خلاصه ارائه شده است.

جدول ۱. ساختار جلسات آموزش دلبستگی محور مادران

جلسه	اقدامات
اول:	آشنایی اعضای گروه با یکدیگر، آشنایی با نظریه ی دلبستگی، شکل‌گیری اضطراب جدایی و سطوح بروز آن در کودکان، افزایش مهارت‌های مشاهده‌ای، تمایز رفتارهای اضطرابی و دیگر رفتارهای مشکل‌ساز
دوم:	آشنایی با دلبستگی ایمن و نایمن و پیامدها و عوامل موثر در ایجاد آنها، شناخت رفتارهای دلبستگی و اکتشافی در کودکان، آموزش شیوه ی پاسخدهی موثر به این رفتارها و آموزش بازی آزاد، افزایش دسترس‌پذیری مادران
سوم:	نقش بازنمایی‌های ذهنی والدین از دلبستگی در ارتباط با کودکان، شناخت بازنمایی‌های ذهنی مادران و سه سبک حساس به ایمنی، به پیشرفت و به رابطه، شناخت رابطه‌ی بین تجربیات دوران کودکی و رفتارهای والدینی
چهارم:	آموزش رفتارهای لازم با توجه به بازنمایی‌های ذهنی مادران، به‌وجود آوردن تعادل لازم در توجه به رفتارهای اکتشافی و رفتارهای دلبستگی، پیشنهاد بازی‌های درمانی دلبستگی محوری با توجه به سبک بازنمایی ذهنی مادران
پنجم:	بحث و بررسی پیرامون نشانه‌های رابطه‌ی مثبت و منفی در کودکان، آموزش مهارت‌های درک و فهم و آموزش انعکاس احساسات دورنی خود و توانایی به کلام درآوردن آنها، آموزش روش "Time in"
ششم:	آموزش مهارت‌های لازم برای درک و فهم نیازهای زیربنایی رفتارهای اضطراب جدایی در کودکان و توانایی به کلام درآوردن آنها، افزایش حساسیت و پاسخدهی مادران
هفتم:	ایجاد بینش چند بُعدی به کودک و ترغیب مادران برای تغییر نگاه نسبت به کودکان با توجه به تجربیات جدید، به-وجود آوردن تصویری واقعی و کامل از کودک دربرگیرنده ویژگی‌های مثبت و منفی
هشتم:	مرور مطالب و آموزش حفظ و افزایش تغییرات به‌وجود آمده، آمادگی مادران برای استفاده از آموزش‌ها به تنهایی

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی میزان نشانه‌های اضطراب جدایی و زیرمقیاس‌های آن به تفکیک گروه‌های آزمایش و گواه در سه مرحله‌ی پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری در جدول ۲ ارائه است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی نمرات گروه‌های آزمایش و گواه به تفکیک پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری

گروه گواه (n=9)		گروه آزمایش (n=8)		مراحل	متغیر
SD	M	SD	M		
۷/۳	۶۸	۹/۹	۷۱/۸۷	پیش‌آزمون	
۶/۱۱	۶۸/۲۲	۱۰/۸۹	۶۱/۸۷	پس‌آزمون	مشکلات اضطراب جدایی
۷/۶۳	۶۵/۳۳	۷/۵۹	۵۵/۵	پیگیری	
۳/۹۷	۱۱/۴۴	۲/۱	۱۴/۹۲	پیش‌آزمون	
۳/۹۹	۱۱/۷۷	۲/۲۶	۱۱/۶۲	پس‌آزمون	ترس از تنها ماندن
۳/۰۴	۹/۳۳	۲/۵۴	۱۱/۲۵	پیگیری	
۳/۲۵	۱۱/۱۱	۳/۷۳	۱۰/۶۲	پیش‌آزمون	
۳/۵۸	۱۰/۱۱	۲/۶۵	۸/۲۵	پس‌آزمون	ترس از رها شدن
۳/۷۰	۹/۳۳	۱/۹۹	۷/۶۲	پیگیری	
۲/۷۳	۸/۳۳	۲/۵۲	۷/۸۸	پیش‌آزمون	
۲/۵۴	۷/۶۶	۱/۸۳	۶/۷۵	پس‌آزمون	ترس از بیماری جسمانی
۲/۳۵	۷/۵۵	۲/۰۶	۶/۶۲	پیگیری	
۱/۹۲	۹/۷۷	۲/۷۴	۹/۸۷	پیش‌آزمون	
۲	۱۰/۶۶	۳/۲۹	۸/۳۷	پس‌آزمون	نگرانی درباره‌ی حوادث خطرناک
۱/۹۳	۱۱	۳/۴۵	۷/۵۹	پیگیری	
۳/۷۴	۱۹/۵۵	۳/۸۸	۲۰/۹۹	پیش‌آزمون	
۳/۴۰	۱۹/۸۸	۳/۸۵	۱۸	پس‌آزمون	نشانه‌های امنیت
۳/۲۹	۲۰/۱۱	۱/۴۸	۱۵/۷۵	پیگیری	

برای بررسی معناداری تفاوت‌های مشاهده شده در میانگین گروه‌ها در نشانه‌های اضطراب جدایی به طور کلی و هر یک از زیر مقیاس‌های آن در سه مرحله‌ی زمانی پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری از روش تحلیل واریانس آمیخته استفاده شد. پیش از انجام تحلیل، آزمون پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس انجام شد. خلاصه‌ی نتایج تحلیل واریانس مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۳ گزارش شده است. نتایج تحلیل نشان داد که تفاوت بین میانگین‌های دو گروه آزمایش و گواه در میزان مشکلات اضطراب جدایی، ترس از تنها ماندن، نگرانی درباره‌ی حوادث خطرناک و استفاده‌ی افراطی از نشانه‌های امنیت با در نظر گرفتن زمان‌بندی‌ها (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) معنادار است و می‌توان این کاهش معنادار را به متغیر مستقل مربوط دانست.

جدول ۳. خلاصه ی نتایج تحلیل واریانس آمیخته مربوط به گروه‌های آزمایش و گواه

در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری

متغیر	عامل	شاخص	Sig.	F	Sig.	eta
		ویلکز لامبدا				
مشکلات اضطراب جدایی	زمان	۰/۱۷۹	۰/۰۰۱	۱۷/۰۴	۰/۰۰۱	۰/۵۳
	زمان*گروه	۰/۳۷۸	۰/۰۰۱	۹/۵۴	۰/۰۰۳	۰/۳۸
ترس از تنها ماندن	زمان	۰/۴۷۱	۰/۰۰۵	۹/۴۵	۰/۰۰۱	۰/۳۸
	زمان*گروه	۰/۴۶۶	۰/۰۰۵	۳/۷۵	۰/۰۳۵	۰/۲۰
ترس از رها شدن	زمان	۰/۳۹۱	۰/۰۰۱	۱۲/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۴۵
	زمان*گروه	۰/۹۱۲	۰/۵۲۵	۱/۱۹	۰/۳۰۶	۰/۰۷
ترس از بیماری جسمانی	زمان	۰/۷۶۳	۰/۱۵۰	۳/۹۱۶	۰/۰۵۰	۰/۲۰
	زمان*گروه	۰/۹۸۱	۰/۸۷۲	۰/۲۴۰	۰/۷۰۴	۰/۰۱
نگرانی درباره‌ی حوادث خطرناک	زمان	۰/۹۴۵	۰/۶۷۴	۰/۴۵۷	۰/۶۳۸	۰/۰۳
	زمان*گروه	۰/۵۵۴	۰/۰۱۶	۶/۳۹	۰/۰۰۵	۰/۲۹
نشانه‌های امنیت	زمان	۰/۴۳۸	۰/۰۰۳	۴/۵۶۴	۰/۰۳۵	۰/۲۳
	زمان*گروه	۰/۳۳۹	۰/۰۰۱	۶/۹۹	۰/۰۱	۰/۳۱

نتایج نشان داد که جلسات دلبستگی‌محور منجر به کاهش معنادار مشکلات اضطراب جدایی در کودکان آنها شده و اثر درمان در مرحله ی پیگیری باقی مانده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی حاضر با هدف تعیین میزان اثربخشی روش آموزش دلبستگی‌محور مادران بر کاهش نشانه‌های اضطراب جدایی کودکان پیش‌دبستانی انجام شد. یافته‌های پژوهش حاضر، حاکی از کاهش نشانه‌های اضطراب جدایی در گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه در مرحله‌ی پس‌آزمون بود و این بهبودی در طول زمان (مرحله‌ی پیگیری) نیز ادامه داشت. این یافته همسو با پژوهش موسوی، قنبری و مظاهری (۲۰۱۳) بود که با استفاده از مداخله‌ی دلبستگی‌محور با روش پس‌خوراند ویدیویی باعث کاهش مشکلات اضطراب جدایی کودکان و همچنین بازنمایی‌های منفی آنها شدند. این یافته‌ها همسو با نتایجی است که نشان می‌دهد این شیوه بر کاهش مشکلات اضطرابی (قنبری و همکاران، ۲۰۱۴؛ جهان‌بخش و همکاران، ۲۰۱۲) موثر است. همچنین همسو با پژوهش‌های کوآت و همکاران (۲۰۰۵) و طالب‌پور، نیسی، مهربانی‌زاده هنرمند، شهنی‌بیلاق و همکاران (۲۰۱۳) است که هر کدام به

ترتیب درمان تعاملی والد-کودک را برای درمان اختلال اضطراب جدایی در کودکان ۴ تا ۸ ساله و پسران ۷ تا ۹ ساله به کار برده‌اند که به عنوان یکی از درمان‌های دلبستگی‌محور محسوب می‌شود (آلن، تیمر و اورکوویزا، ۲۰۱۴). یافته‌های حاصل از این پژوهش در مورد اثربخشی مداخله‌ی حاضر بر ابعاد مختلف نشانه‌ها در اضطراب جدایی، نشان‌دهنده‌ی کاهش میزان «ترس از تنها ماندن» «نگرانی در مورد وقوع حوادث خطرناک» و «فهرست نشانه‌های امنیت» در گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه بود و این کاهش نشانه‌ها در طول زمان (مرحله‌ی پیگیری) نیز ادامه داشت.

در این پژوهش مداخله‌ی دلبستگی‌محور نتوانست تفاوت معناداری را در دو گروه آزمایش و گواه در زیرمقیاس‌های «ترس از بیماری جسمانی» و «ترس از رها شدن» به‌وجود آورد. بررسی وضعیت افراد در مرحله‌ی پیش‌آزمون در زیرمقیاس «ترس از بیماری جسمانی» نشان‌دهنده‌ی این است که افراد هر دو گروه در ابتدا نیز در این زیرمقیاس نمرات بالایی نداشتند. نمره‌ی این زیرمقیاس قابلیت تغییر بین نمره-۱۰ صفر تا بیست را دارا بوده است در حالی که میانگین افراد گروه نمونه‌ی پژوهش، حتی به میانگین ۱۰ هم نرسیده است و بنابراین می‌توان چنین اظهار داشت که افراد نمونه‌ی پژوهش نیازمند بهبودی خاصی در این زیرمقیاس نبوده‌اند. نگرانی درباره‌ی حوادث خطرناک در فرد، زمینه را برای «ترس از رها شدن» فراهم می‌کند و در بسیاری از مواقع، وجود این نگرانی در افراد باعث باقی ماندن ترس از رها شدن در آن‌ها می‌شود (ایسن و اسکفر، ۲۰۰۵). نتایج فراتحلیل‌هایی که بر مطالعات حوزه‌ی دلبستگی و روابط والد-کودک صورت گرفته است (باکرمنز-کرانبرگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ برلین، زینه و لیبرمن، ۲۰۰۸) حاکی از این است که مداخلات کوتاه‌مدت رفتاری و متمرکز بر مشکلی خاص که هدف آن‌ها تغییر رفتار والدین نسبت به کودک است در ارتقای حساسیت والدینی و امنیت دلبستگی کودک، موثرتر از مداخلاتی بودند که هدف آنها تغییر بازنمایی‌های ذهنی والدین یا فراهم کردن حمایت اجتماعی برای آنها بوده‌اند. به نظر می‌رسد که تسهیل ایجاد پایگاه ایمن برای تمامی کودکان در روند تحول امری مهم است (کسیدی، جونز و شاور، ۲۰۱۳) و مداخله‌ی دلبستگی‌محور با تاکید و اشرافی که بر ریشه و پایه‌ی به‌وجود آمدن اختلال اضطراب جدایی داشته و تلاش برای ایجاد بینش و آموزش مهارت‌هایی به مادران در این زمینه، می‌تواند موفق عمل کند.

این پژوهش با حمایت مالی قطب علمی خانواده دانشگاه شهید بهشتی صورت گرفته است.

References

- Allen, B., Timmer, S. G., & Urquiza, A. J. (2014). Parent-Child Interaction Therapy as an attachment-based intervention: Theoretical rationale and pilot data with adopted children. *Children and Youth Services Review, 47*, 334-341.

- American Psychiatric Association. (2013). *The Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders: DSM 5*. Bookpoint US.
- Baker, H. (2013). Role differences and the importance of parenting behaviors in an early childhood separation program. Doctoral dissertation. Pace University of New York.
- Bakermans-Kranenburg, M. J., Van IJzendoorn, M. H., & Juffer, F. (2003). Less is more: meta-analyses of sensitivity and attachment interventions in early childhood. *Psychological bulletin*, 129, 195-215.
- Bakermans-Kranenburg, M. J., Van IJzendoorn, M. H., & Juffer, F. (2005). Disorganized infant attachment and preventive interventions: A review and meta-analysis. *Infant Mental Health Journal*, 26, 191-216.
- Bennet, A., & Stirling, J. (1998). Vulnerability factors in the anxiety disorders. *British Journal of Medical Psychology*, 3, 311-321.
- Berlin, L., Zeanah, C. H., Lieberman, A. F. (2008). Prevention and Intervention Programs for Supporting Early Attachment Security. In: Cassidy J, Shaver P R, editors. *Handbook of Attachment: Theory, Research and Clinical Applications* (2nd ed.). New York: London: Guilford Press. pp. 745-61.
- Bowlby, J. (1998). *Attachment and loss: Separation-anxiety and anger*. Australia: Pimlico: 109.
- Cassidy, J., Jones, J. D., & Shaver, P. R. (2013). Contributions of attachment theory and research: A framework for future research, translation, and policy. *Development and psychopathology*, 25, 1415-1434.
- Conners, C. K. (1999). *Conners Rating Scales-Revised*. Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Conners, C. K. (2008). *Conners 3rd edition (Conners 3)*. North Tonawanda, NJ: Multi-Health System.
- Dallaire, D. H., & Weinraub, M. (2005). The stability of parenting behaviors over the first 6 years of life. *Early Childhood Research Quarterly*, 20, 201-219.
- Dehghani Arani, F., Besharat, M. A., Pour Hossein, R., Bahrami Ehsan, H., & et al. (2015). Effectiveness of an attachment-based intervention on health and attachment indices in children with chronic disease, *Contemporary Psychology*, 9, 3-16. (Persian).
- Eisen, A. R., & Schaefer, C. E. (2005). *Separation anxiety in children and adolescents: An individualized approach to assessment and treatment*. Guilford Press.
- Essau, C. A., & Gabbidon, J. (2013). Epidemiology, comorbidity and mental health service utilization. In: Essau, C.A., Ollendick, T.H.(Eds.), *The Wiley-Blackwell Handbook of The Treatment of Childhood and Adolescent Anxiety*, Firsted. Wiley-Blackwell, Chichester.
- Frick, P. J., Barry, C. T., & Kamphaus, R. W. (2010). Self-report inventories. In *Clinical assessment of child and adolescent personality and behavior* pp. 101-139). Springer US.
- Ganjavi, A., Mazaheri, M. A., & Sadeghi, M. (2013). Mind-Mindedness: Development of Mother-Infant Package and Examining its Efficacy, *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 10, 10-27. (Persian).
- Ghanbari, S., Khodapanahi, M. K., Mazaheri, M. A., & Gholamali Lavasani, M. (2014). The Effectiveness of Attachment based Parent Training on Increasing Maternal Caregiving Quality in Preschool anxious Children. *Journal of Family Research*, 36,407 -426. (Persian).
- Ghanbari, S., Khanmohamadi, M., Khodapanahi, M. K., Mazaheri, M. A., & et al. (2011). Study of Psychometric Properties of Preschool Anxiety Scale (PAS). *Journal of Psychology*, 15, 222-234. (Persian).
- Hahn, L., Hajinlian, J., Eisen, A. R., Winder, B., & Pincus, D. B. (2003). *Measuring the dimintions of separation anxiety and early panic in children and adolescents: The Separation Anxiety Assessment Scale*. Paper presented at the 37th annual convention of the Association for Advacement of Behavior Therapy, Boston.
- Jahanbakhsh, M., Bahadori, M. H., Amiri, SH., & Asgari-Mobarake, K. (2013). Effect of Attachment-Based Therapy on Behavioral Disorders in Girls with Attachment Problems, *Zahedan J Res Med Sci*, 16, 12-17. (Persian)
- Jahanbakhsh, M., Bahadori, M. H., Amiri, SH., & Jamshidi, A. (2012). Effect of Attachment-Based Therapy on anxiety in Girls with Attachment Problems. *Journal of Applied Psychology*, 4, 26- 41. (Persian).
- Jahanbakhsh, M., Bahadori, M. H., Amiri, SH., & Jamshidi, A. (2012). Effect of attachment-based therapy on mental health in girls with attachment problems. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 2, 141-151. (Persian).
- Juffer, F., Bakermans-Kranenburg, M. J., & van IJzendoorn, M. H. (Eds.). (2008). *Promoting positive parenting: An attachment-based intervention*. Routledge.
- Lebowitz, E. R., Woolston, J., Bar-Haim, Y., Calvocoressi, L., & et al. (2012). Family accommodation in pediatric anxiety disorders. *Depression and Anxiety*.

- Manassis, K., & Hood, J. (1998). Individual and familial predictors of impairment in childhood anxiety disorders, *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 37, 428-434.
- Marnane, C., & Silove, D. (2013). DSM-5 allows separation anxiety disorder to grow up. *Australian & New Zealand Journal of Psychiatry*, 47, 12-15.
- Mofrad, S., Abdullah, R., & Uba, I. (2010). Attachment patterns and separation anxiety symptom. *Asian Social Science*, 6, 148-153.
- Mofrad, S., Abdullah, R., & Abu Samah, B. A. (2009). Perceived parental overprotection and separation anxiety: Does specific parental rearing serve as specific risk factor. *Asian Social Science*, 5, 109-116.
- Mohr, C., & Schneider, S. (2014). Intensive Treatments for Separation Anxiety Disorder in Children and Adolescents. *Psychopathology Review*, 1, 201-208.
- Mousavi, P., Mazaheri, M. A., Pakdaman, Sh., & Heydari, M. (2013). Effectiveness of attachment based therapy using video feedback on decreasing parental stress and externalizing problems of children, *Contemporary Psychology*, 8, 33-46. (Persian).
- Mousavi, P., Ghanbari, S., & Mazaheri, M. A. (2013). Effectiveness of attachment-based therapy using video feedback method on decreasing the negative mental representations and separation anxiety symptoms of preschool children. *The articles of the first Congress on child and Adolescent Psychology*, Theran, Iran. (Persian).
- Norton, J. P. (2014). Children and Anxiety. *The Neuroscience Journal of Shefaye Khatam*, 2, 19-19.
- Riggs, S. A., & Jacobvitz, D. (2002). Expectant parents' representations of early attachment relationships: Associations with mental health and family history. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 70, 195-204.
- Schneider, S., & Lavalley, K. L. (2013). Separation anxiety disorder. In C.A. Essau & T. Ollendick (Eds) *The Wiley-Blackwell handbook of the treatment of childhood and adolescent anxiety*. Wiley-Blackwell. 301-334.
- Schneider, S., Blatter-Meunier, J., Herren, C., Adornetto, C., In-Albon, T., & Lavalley, K. L. (2011). Disorder-specific cognitive-behavioral therapy for separation anxiety disorder in young children: A randomized waiting-list-controlled trial. *Psychotherapy and Psychosomatics*, 80, 206-215.
- Shokoufefdard, Sh., Mazaheri, M. A., & Tahmassian, K. (underpublishment). The Effectiveness of attachment based storytelling on reducing bedtime problems and enhancing child-mother relationship, *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*. (Persian).
- Siqueland, L., Rynn, M., & Diamond, G. S. (2005). Cognitive behavioral and attachment based family therapy for anxious adolescents: Phase I and II studies. *Journal of Anxiety Disorders*, 19, 361-381.
- Talebpour, A., Neisi, A., Mehrabzade honarmand, M., Shahani yeiylagh, M., & et al. (2013). Effectiveness of group Parent-Child Interaction Therapy on decreasing of separation anxiety symptoms of students. *Journal of achievements of psychology*, 4, 61-78. (Persian).
- Warren, S. L., Huston, L., Egeland, B., & Sroufe, L. (1997). Child and adolescent anxiety disorders and early attachment. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 36, 637-644.
- Yaghooti, F. (2014). P34: Attachment Patterns and Separation Anxiety Symptoms in Children. *The Neuroscience Journal of Shefaye Khatam*, 2, 58-58.
- Zolog, T. C., Ballabriga, M. C. J., Bonillo-martin, A., Canals-sann, J., Hernandezmartinez, C., Romero-acosta, K., & et al. (2011). Somatic complaints and symptoms of anxiety and depression in a schoolbased sample of preadolescents and early adolescents. Functional impairment and implications for treatment. *Journal of Cognitive and Behavioral Psychotherapies*, 11, 191-208.

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 9 (No. 35), pp. 37-46, 2014

The effectiveness of group training of attachment-based intervention of mothers in reducing symptoms of separation anxiety of preschoolers

Talaie-Nejad, Naeimeh

Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Mazaheri, Mohammad Ali

Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Ghanbari, Saeed

Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 23 Apr, 2014

Accepted: May 31, 2014

For a diagnosis in separation anxiety in children, the presence of at least three symptoms, associated with extreme concern about the separation of a person whom one is attached to, is essential. The aim of the current study was to determine the effectiveness of attachment-based intervention on reducing the symptoms of this disorder. For this purpose, in a semi-experimental study pre-test and post-test along with the control group, 302 mothers who had children four to six years were chosen from available samples, their children's separation anxiety was assessed through them. 25 mothers whom their children had the highest rate of separation anxiety were selected and were randomly assigned to two groups of experiment and control (12 patients in the experimental group and 13 in the control group). The Mothers of the experimental group participated in 8 sessions of attachment-based training, weekly. Mothers of both group, completed the measure of separation anxiety scale in children again, both after the training sessions, and in a two months follow up, after the completion of the study. The results of analysis of mixed variance indicated that the group training of attachment-based of mothers had caused a reduction in significance, in the overall scores of separation anxiety in children. Children of mothers in the experimental group indicated a significant reduction in the fear of being alone, fear of accidents and excessive use of safety signs. The results of this study can be used in clinical situations and problems in the treatment of children with separation anxiety problems.

Keywords: group training of attachment-based, separation anxiety, preschoolers

Electronic mail may be sent to: talaieinejad_n@yahoo.com